



دانشکده علوم اداری و اقتصادی

گروه اقتصاد دانشگاه فردوسی مشهد

عنوان پایان نامه :

بررسی ارتباط بین فراوانی منابع و توسعه مالی با توجه به شاخص حکمرانی خوب: مطالعه

موردی کشورهای منتخب صادرکننده نفت

نگارش :

ناهد رجبزاده مغانی

ارائه شده جهت دریافت درجه کارشناسی ارشد

در رشته اقتصاد گرایش اقتصاد محض

استاد راهنما :

دکتر محمدعلی فلاحی

استاد مشاور :

دکتر مهدی خداپرست مشهدی

شهریورماه ۹۱

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

## چکیده

توسعه مالی نقش کلیدی در رشد اقتصادی کشورها ایفا می‌کند. بنابراین شناخت عوامل تأثیر گذار بر توسعه مالی ضروری است. یکی از عوامل تأثیرگذار بر توسعه مالی فراوانی منابع است. فراوانی منابع از طریق مکانیزم‌های مختلفی بر توسعه مالی اثر می‌گذارد. این مکانیزم‌ها بیماری هلندی، کاهش اتکاء به درآمدهای مالیاتی، فساد و رانت‌جویی، کاهش سرمایه اجتماعی و انسانی، عدم شکل‌گیری احزاب مستقل سیاسی و کاهش سطح دموکراسی می‌باشند؛ که در کشورهای برخوردار از فراوانی منابع اتفاق افتاده و زمینه را برای تضعیف و کاهش سطح توسعه مالی فراهم می‌نماید. اما با توجه به ادبیات نهادی، فراوانی منابع در کشورهای سطح توسعه مالی را کاهش دهد که کیفیت نهادی در آن جامعه ضعیف باشد در غیر این صورت فراوانی منابع نمی‌تواند اثر منفی بر توسعه مالی بگذارد؛ چراکه مکانیزم‌های فوق‌الذکر، در کشورهای با کیفیت نهادی بالا کارکرد خود را از دست می‌دهند. در این مطالعه با استفاده از داده‌های تابلویی برای ۲۲ کشور منتخب صادرکننده نفت، که براساس شاخص حکمرانی تفکیک شده‌اند، در طی دوره زمانی ۱۹۹۶-۲۰۰۹ به آزمون تجربی فرضیات موردنظر پرداخته می‌گردد. نتایج حاکی از آن است که در کشورهایی که از نظر شاخص حکمرانی وضعیت نامطلوبی دارند، ارتباط منفی و معنی‌داری بین فراوانی منابع و توسعه مالی وجود دارد. در کشورهایی که از نظر شاخص حکمرانی سطح متوسطی دارند، این ارتباط معنی‌دار نیست و در کشورهایی که از نظر شاخص حکمرانی وضعیت مناسب و مطلوبی دارند، این ارتباط کاملاً مثبت و معنی‌دار است. بنابراین بهبود و اصلاح کیفیت نهادی در اقتصادهای نفتی ضروری به نظر می‌رسد تا بدین وسیله سطح توسعه مالی ارتقاء یافته و و در پی آن زمینه برای رشد و توسعه اقتصادی فراهم گردد.

کلید واژه: توسعه مالی، فراوانی منابع، حکمرانی، کشورهای صادرکننده نفت

## فهرست مطالب

### فصل اول: کلیات تحقیق

- ۱-۱) مقدمه: ..... ۲
- ۲-۱) مسأله اصلی تحقیق: ..... ۳
- ۳-۱) ضرورت انجام تحقیق: ..... ۴
- ۴-۱) فرضیه های تحقیق: ..... ۴
- ۵-۱) اهداف اساسی از انجام تحقیق : ..... ۵
- ۶-۱) روش تحقیق: ..... ۵
- ۷-۱) نمونه و داده های تحقیق: ..... ۵
- ۸-۱) محدودیت های تحقیق: ..... ۸
- ۹-۱) نتایج مورد انتظار پس از انجام این تحقیق: ..... ۹
- ۱۰-۱) نوآوری تحقیق ..... ۹
- ۱۱-۱) تعریف واژه های و اصطلاحات تخصصی طرح ..... ۹
- ۱۲-۱) فصل بندی تحقیق ..... ۱۱

### فصل دوم: ادبیات موضوع

- ۱-۲) مقدمه ..... ۱۳
- ۲-۲) توسعه مالی و اهمیت آن در رشد اقتصادی کشورها ..... ۱۳
- ۳-۲) پدیده بالای منابع در توسعه مالی ..... ۱۶
- ۱-۳-۲) بیماری هلندی ..... ۱۷
- ۲-۳-۲) وجود نهادهای ضعیف، حکمرانی بد و رانت جویی ..... ۱۸
- ۴-۲) جمع بندی ..... ۳۱

## فصل سوم: مطالعات و شواهد تجربی

۳-۱	مقدمه:	۳۴
۳-۲	مطالعات پیشین	۳۴
۳-۲-۱	مطالعات خارجی	۳۴
۳-۲-۲	مطالعات داخلی	۳۸
۳-۳	شواهد تجربی:	۴۰
۳-۳-۱	رتبه‌بندی توسعه مالی در کشورهای منتخب	۴۰
۳-۳-۲	بررسی وضعیت شاخص انتخابی توسعه مالی در کشورهای منتخب	۴۳
۳-۴	جمع بندی:	۴۶

## فصل چهارم: نتایج تجربی تحقیق

۴-۱	مقدمه	۴۹
۴-۲	مروری بر داده‌های تابلویی	۴۹
۴-۲-۱	مزیت استفاده از داده‌های تابلویی	۵۰
۴-۲-۲	روش‌های برآورد	۵۱
۴-۲-۲-الف	روش داده‌های ترکیبی	۵۲
۴-۲-۲-ب	روش اثرات ثابت	۵۵
۴-۲-۲-ج	روش اثرات تصادفی	۵۶
۴-۳	معرفی متغیرهای تحقیق	۵۹
۴-۴	نتایج برآورد الگو	۶۲
۴-۴-۱	برآورد الگو برای کشورهای با کیفیت نهادی پایین	۶۲
۴-۴-۲	برآورد الگو برای کشورهای با کیفیت نهادی متوسط	۶۶

۷۰ ..... ۳-۴-۴ برآورد الگو برای کشورهای با کیفیت نهادی بالا

۷۳ ..... ۵-۴ پاسخگویی به فرضیات

۷۳ ..... ۱-۵-۴ پاسخگویی به فرضیه اول

۷۴ ..... ۲-۵-۴ پاسخگویی به فرضیه دوم

۷۴ ..... ۶-۴ جمع بندی:

#### فصل پنجم: نتیجه گیری و پیشنهادها

۷۷ ..... ۱-۵ جمع بندی

۷۸ ..... ۵-۵ پیشنهادهای سیاستی

۷۹ ..... ۶-۵ پیشنهادهای مطالعاتی

۸۱ ..... منابع و مأخذ

۸۹ ..... پیوست

## فهرست نمودارها :

- نمودار ۱-۲) مکانیزم‌های اثرگذاری فراوانی منابع بر توسعه مالی ..... ۳۲
- نمودار ۱-۳) مقایسه شاخص توسعه مالی در کشورهای منتخب به تفکیک حکمرانی ..... ۴۵
- نمودار ۲-۳) مقایسه وضعیت شاخص انتخابی توسعه مالی در ایران و دیگر کشورها ..... ۴۶

## فهرست جداول :

- جدول ۱-۱) تقسیم‌بندی کشورها براساس شاخص حکمرانی ..... ۷
- جدول ۱-۳) رتبه توسعه مالی کشورها به تفکیک حکمرانی ..... ۴۲
- جدول ۲-۳) مقایسه آماری توسعه مالی در کشورهای منتخب ..... ۴۴
- جدول ۱-۴) نتایج آزمون‌ها برای کشورهای با کیفیت نهادی پایین ..... ۶۳
- جدول ۲-۴) نتایج برآورد الگو برای کشورهای با کیفیت نهادی پایین ..... ۶۴
- جدول ۳-۴) نتایج آزمون‌ها برای کشورهای با کیفیت نهادی متوسط ..... ۶۷
- جدول ۴-۴) نتایج برآورد الگو برای کشورهای با کیفیت نهادی متوسط ..... ۶۸
- جدول ۵-۴) نتایج آزمون‌ها برای کشورهای با کیفیت نهادی بالا ..... ۷۰
- جدول ۶-۴) آزمون واریانس ناهمسانی ..... ۷۱
- جدول ۷-۴) نتایج برآورد الگو برای کشورهای با کیفیت نهادی بالا ..... ۷۲

## (۱-۱) مقدمه:

از پایان دهه ۱۹۸۰، بسیاری از مطالعات ارتباط منفی بین فراوانی منابع طبیعی و رشد اقتصادی در کشورهای در حال توسعه را تأیید نمودند و بسیاری از مطالعات به بررسی علت بلای منابع پرداختند. تحقیقات مختلفی نشان دادند که فراوانی منابع منجر به وقوع بیماری هلندی، (ون وینبرگن<sup>۱</sup>، ۱۹۸۴؛ مستن و ترویک<sup>۲</sup>، ۲۰۰۵) فساد و رانت‌جویی (بالند و فرانسوا<sup>۳</sup>، ۲۰۰۰) و کاهش انگیزه برای انباشت سرمایه انسانی و اجتماعی (گیلفاسون<sup>۴</sup>، ۲۰۰۱) می‌شود.

این مطالعات عمدتاً در تلاش بوده‌اند علت کندی رشد اقتصادی در کشورهای برخوردار از فراوانی منابع را توضیح دهند؛ درحالی‌که از اثرگذاری فراوانی منابع بر توسعه مالی، از طریق مکانیزم‌های فوق‌الذکر، غافل مانده‌اند. از آن‌جاکه توسعه مالی به عنوان یک متغیر کلیدی نقش مهمی در رشد اقتصادی بازی می‌کند، بنابراین این ادعا وجود دارد که علت کندی رشد اقتصادی در کشورهای دارای فراوانی منابع، می‌تواند ناشی از پایین بودن سطح توسعه مالی آن‌ها نیز باشد.

با توجه به مطالعات انجام شده (بک<sup>۵</sup>، ۲۰۱۰ و راستی، ۱۳۸۸)، کشورهای نفتی نسبت به میانگین جهانی سطح پایین‌تری از توسعه مالی را دارند و وضعیت آن‌ها در مقایسه با کل دنیا مناسب نمی‌باشد. اما با نگاهی دقیق‌تر به آمارهای جهانی می‌توان دریافت که حتی در بین کشورهای صادرکننده نفت نابرابری‌های قابل ملاحظه‌ای در سطح توسعه مالی وجود دارد؛ از آن‌جاکه درآمدهای حاصل از فراوانی منابع عموماً در اختیار دولت‌ها قرار می‌گیرد، کیفیت نهادهای سیاسی و وضعیت حکمرانی در به وجود آوردن این نابرابری-

---

1- Van Wijnbergen

2 -Masten and Torvik

3 -Baland and Francois

4 - Gylfason

5 -Beck



ها نقش مهمی ایفا می‌کنند. بنابراین در این مطالعه تلاش می‌شود به بررسی ارتباط بین فراوانی منابع و توسعه مالی پرداخته و همچنین نقش نهادهای سیاسی در چگونگی برقراری این ارتباط در نظر گرفته شود.

## ۲-۱) مسأله اصلی تحقیق:

یکی از عوامل اثرگذار بر توسعه مالی، فراوانی منابع است؛ به طوریکه ادعا می‌شود فراوانی منابع از طریق ایجاد بیماری هلندی، رانت‌جویی و فساد، عدم توجه به سرمایه‌های انسانی و اجتماعی، تضعیف دموکراسی، اتکاء به درآمدهای نفتی و تضعیف حقوق مالکیت، می‌تواند اثر منفی بر توسعه مالی داشته باشد. از طرفی دیگر با توجه به ادبیات موجود، نهادها و به خصوص نهادهای سیاسی نیز نقش کلیدی در چگونگی این ارتباط بازی می‌کنند.

طبق گزارش رقابت‌پذیری جهانی در سال ۲۰۱۰-۲۰۱۱، نابرابری‌های قابل توجهی در شاخص-های توسعه مالی کشورهای صادرکننده نفت وجود دارد؛ که این خود انگیزه‌ای برای بررسی ارتباط بین فراوانی منابع و توسعه مالی این کشورها در این تحقیق می‌تواند باشد. بنابراین، چگونگی آثار فراوانی منابع بر توسعه مالی کشورها می‌تواند تحت تأثیر شرایط حاکم بر اقتصاد کشورها و عوامل و شرایط محیطی باشد. به بیانی دیگر، نحوه حکمرانی می‌تواند بر چگونگی و نحوه اثرگذاری فراوانی منابع بر توسعه مالی اثرگذار باشد. از این رو مسأله اصلی تحقیق، بررسی ارتباط بین فراوانی منابع و توسعه مالی کشورهای صادرکننده نفت با توجه به شاخص حکمرانی است. به عبارتی دیگر در تحقیق حاضر تلاش می‌شود به بررسی این موضوع پرداخته شود که آیا در تمامی کشورهای صادرکننده نفت که درجات متفاوتی از حکمرانی را دارا می‌باشند، فراوانی منابع می‌تواند سطح توسعه مالی را تضعیف نماید؟ و آیا فراوانی منابع منجر به بلای منابع در توسعه مالی تمامی کشورهای صادرکننده نفت شده است؟

## ۳-۱) ضرورت انجام تحقیق

با توجه به مطالعات انجام شده (کینگ<sup>۱</sup>، ۱۹۹۳ و بک، دمیرگوک کانت<sup>۲</sup> و لوین<sup>۳</sup>، ۲۰۰۷)، توسعه-ی مالی نقش بسیار تعیین کننده‌ای در توسعه‌ی اقتصادی ایفاء می‌کند؛ به طوریکه می‌توان بیان کرد سطح توسعه‌ی اقتصادی کشورها، سطح توسعه‌ی مالی آن‌ها را تعیین می‌کند. بنابراین درک و شناخت عوامل تأثیرگذار بر توسعه‌ی مالی بسیار ضروری است. تحلیل ارتباط بین فراوانی منابع و توسعه‌ی مالی همراه با نقش نهادها می‌تواند توضیح جدیدی برای سطوح بسیار متفاوت توسعه‌ی مالی در بین کشورها فراهم نماید و همچنین فهم این ارتباط به سیاست‌گذاران کمک می‌کند تا سیاست‌های مناسب را در جهت بهبود شرایط به کار گیرند.

عملکردهای دولتی و ویژگی‌های کشورهای توسعه‌یافته به منظور توصیه‌ی سیاستی مناسب برای ارتقاء سطح توسعه‌ی مالی باید تحلیل گردد. نادیده گرفتن شرایط نهادی به معنای نادیده گرفتن واقعیات اقتصادی و جامعه‌شناختی کشورهاست و توصیه‌ی سیاستی برای ارتقاء توسعه‌ی مالی نادقیق بوده و ممکن است حتی اثر منفی بر آن داشته باشد.

## ۴-۱) فرضیه‌های تحقیق

۱- در کشورهایی که شاخص حکمرانی در سطح پایین است، فراوانی منابع اثر منفی بر توسعه مالی دارد.

---

1- King

2-Demirguc-Kunt

3-Levine

۲- در کشورهایی که شاخص حکمرانی در سطح بالا است، فراوانی منابع اثر مثبت بر توسعه مالی دارد.

### **۱-۵) اهداف اساسی از انجام تحقیق**

۱- محاسبه‌ی میزان و نحوه‌ی اثرگذاری فراوانی منابع بر توسعه مالی در هر یک از گروه‌های مورد بررسی.

۲- شناسایی و تحلیل عوامل تأثیرگذار بر توسعه مالی در هر گروه از کشورهای مورد بررسی.

### **۱-۶) روش تحقیق**

در این تحقیق برای الگوی نظری و جمع‌آوری داده‌ها از روش اسنادی استفاده می‌شود. همچنین در تحقیق حاضر، کشورهای منتخب صادرکننده نفت را که آمار و اطلاعات آن‌ها موجود است، به سه گروه، کشورهای با کیفیت نهادی پایین، متوسط و بالا تقسیم می‌شود و سپس با استفاده از الگوی اقتصادسنجی داده‌های تابلویی، برای هر یک از سه گروه به طور جداگانه الگوی مورد نظر برآورد شده و سپس نتایج مقایسه و تجزیه و تحلیل می‌شود.

### **۱-۷) نمونه و داده‌های تحقیق**

جامعه‌ی آماری این مطالعه کشورهای صادرکننده نفت خام هستند. اقتصادهای نفتی براساس طبقه‌بندی آنکتاد در سال ۲۰۰۸ شامل ۲۲ کشور در حال توسعه است که به دلیل نبود اطلاعات مورد نیاز برای تمامی این کشورها، تنها ۱۱ کشور مورد بررسی قرار گرفته‌اند که عبارتند از ایران، اکوادور، ونزوئلا،

نیجریه، عمان، کویت، عربستان و ترینداد و توباگو، الجزایر، بحرین و گابن. همچنین در این تحقیق، کشورهای توسعه‌یافته‌ای که به رغم داشتن منابع نفتی، از نظر وضعیت حکمرانی مناسب هستند در نظر گرفته شده‌اند؛ چراکه اقتصاد آن‌ها علیرغم داشتن منابع نفتی، متکی به نفت نبوده و دولت آنان عکس‌العمل متفاوتی نسبت به فراوانی منابع داشته است. این کشورها عبارتند از: استرالیا، اتریش، بلژیک، کانادا، دانمارک، استونی، لیتوانی، نروژ، هلند، لهستان و انگلیس.

در این تحقیق برای مطالعه بهتر اثر نهادهای موجود بر رابطه‌ی بین فراوانی منابع و توسعه مالی، کشورها با توجه به شاخص حکمرانی، به سه دسته کشورهای با کیفیت نهادی بالا، متوسط و پایین طبقه‌بندی شده‌اند. شاخص حکمرانی حاصل تلاش سه تن از محققان بانک جهانی کافمن، کری و لوباتون<sup>۱</sup> است که یافته‌های مؤسسات مختلف بین‌المللی همچون EIU<sup>۲</sup> و ICRG<sup>۳</sup>، بنیاد هریتیج و خانه آزادی<sup>۴</sup> پیرامون وضعیت اقتصادی، سیاسی و اجتماعی کشورها را با یکدیگر ادغام و شاخص‌های جدیدی تحت عنوان شاخص‌های حکمرانی معرفی کرده‌اند. این شاخص‌ها عبارتند از حق اظهار نظر و پاسخگویی<sup>۵</sup>، ثبات سیاسی<sup>۶</sup>، کنترل فساد<sup>۷</sup>، کیفیت قوانین و مقررات<sup>۸</sup>، اثربخشی دولت<sup>۹</sup> و حاکمیت قانون<sup>۱۰</sup>. براساس تقسیم‌بندی بانک جهانی، کشورهایی که رتبه شاخص حکمرانی آنها بین صفر تا بیست و پنج است

---

1- Kufmann, Kraay & Lobaton.

2- Economist Intelligence Unit

3- International Country Risk Group

4- Freedom House

5- Voice and Accountability

6 - Political stability

7 - Control of Corruption

8 - Regulatory Quality

9 - Government Effectiveness

10 -Rule of Law

کشورهایی با کیفیت نهادی پایین، کشورهایی که رتبه شاخص حکمرانی آنها بین بیست و پنج تا هفتاد و پنج است، کشورهایی با کیفیت نهادی متوسط و کشورهایی که رتبه شاخص حکمرانی آنها بین هفتاد و پنج تا صد است، کشورهایی با کیفیت نهادی بالا هستند (رتبه صفر مربوط به کشوری است که نامناسب‌ترین وضعیت نهادی و رتبه صد متعلق به کشوری است که بهترین وضعیت نهادی را داراست). تقسیم بندی کشورها براساس شاخص حکمرانی طی دوره ۱۹۹۶-۲۰۰۹ به صورت زیر می‌باشد:

جدول ۱-۱) تقسیم‌بندی کشورهای منتخب براساس رتبه حکمرانی

کشورهای با کیفیت نهادی پایین گروه ۱	کشورهای با کیفیت نهادی متوسط گروه ۲	کشورهای با کیفیت نهادی بالا گروه ۳
ایران (۸۱/۹۶) <sup>۱</sup>	عمان (۸۲/۰۲)	نروژ (۶۰/۳۲)
اکوادور (۴۵/۲۸)	کویت (۸۴/۹۰)	انگلیس (۸/۴۳)
ونزوئلا (۸۴/۵۳)	عربستان (۸۹/۹۹)	استرالیا (۲۳/۱۵)
نیجریه (۹۶/۰۸)	ترینیداد و توباگو (۶۱/۲۴)	اتریش (۲/۵۲)
الجزائر (۹۶/۷۶)	لهستان (۴/۹۴)	دانمارک (۶/۶۴)
	لیتوانی (۲۰/۱۵)	استونی (۷/۵۳)
	بحرین (۶۰/۱۶)	هلند (۷/۳۲)
	گابن (۷۷/۹۳)	بلژیک (۵/۷۶)
		کانادا (۱۶/۵۸)

منبع: بانک جهانی ۱۹۹۶-۲۰۰۹

۱- اعداد داخل پرانتز نشان‌دهنده میانگین سهم صادرات سوخت این کشورها نسبت به کل صادرات کالایی طی دوره مورد بررسی می‌باشد.

در این قسمت به طور خلاصه به معرفی شاخص‌های مورد استفاده و منبع آماری آن‌ها پرداخته می‌شود.

**FD:** اعتبارات داده شده به مؤسسات خصوصی تقسیم بر تولید ناخالص داخلی است که به عنوان شاخص انتخابی برای توسعه مالی در نظر گرفته شده و اطلاعات آن از بانک اطلاعاتی <sup>1</sup>IFS استخراج شده است.

**OIL:** سهم صادرات سوخت از کل صادرات کالایی است. داده‌های این شاخص از بانک اطلاعاتی <sup>2</sup>WDI استخراج شده است.

**GDP:** این شاخص تولید ناخالص داخلی به قیمت ثابت سال ۲۰۰۰ و بر اساس دلار آمریکا است. اطلاعات این شاخص نیز از بانک اطلاعاتی WDI به دست آمده است.

**INF:** این شاخص نشان‌دهنده تورم و براساس شاخص قیمت مصرف‌کننده است. مقدار این شاخص از بانک اطلاعاتی WDI استخراج شده است.

**FDI:** این شاخصی از خالص سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی است. مقدار این شاخص نیز از بانک اطلاعاتی WDI استخراج شده است.

لازم به ذکر است داده‌ها در این تحقیق به صورت سالیانه می‌باشند.

## **(۱-۱) محدودیت‌های تحقیق**

مهم‌ترین محدودیت در تحقیق حاضر، نبود آمار و اطلاعات مربوط به توسعه مالی برای تعداد زیادی از کشورهای صادرکننده نفت است که در نتیجه‌ی آن به ناچار این کشورها در نظر گرفته نشده‌اند.

---

1 - International Financial Statistics

2- World Development Indicators

## **۹-۱) نتایج مورد انتظار پس از تحقیق**

انتظار می‌رود وضعیت حکمرانی کشورها نقش کلیدی در چگونگی ارتباط بین فراوانی منابع و توسعه مالی بازی کند؛ به طوری که کشورهایی که از نظر شاخص حکمرانی وضعیت نامناسبی دارند، رانت حاصل از فراوانی منابع منجر به تضعیف و کاهش سطح توسعه مالی آنها شده است و در کشورهایی که از نظر شاخص حکمرانی وضعیت مطلوبی دارند، احتمالاً این اتفاق نخواهد افتاد و این ارتباط مثبت خواهد بود.

## **۱۰-۱) نوآوری تحقیق**

در اکثر مطالعات انجام شده، توسعه مالی به عنوان یک عامل کلیدی در رشد اقتصادی کشورها در نظر گرفته می‌شود و بیشتر بر ارتباط بین رشد اقتصادی و توسعه مالی پرداخته شده است. اما کمتر مطالعه داخلی می‌توان یافت که به بررسی عوامل مهم تأثیرگذار بر توسعه مالی بپردازد و با توجه به اطلاعات محقق، مطالعه داخلی وجود ندارد که اثر فراوانی منابع بر توسعه مالی را بررسی نموده باشد. در معدود مطالعات خارجی موجود در این رابطه نیز، یا نقش نهادهای سیاسی نادیده گرفته شده و یا به طور خاص کشورهای نفتی در نظر گرفته نشده‌اند.

## **۱۱-۱) تعریف واژه‌ها و اصطلاحات تخصصی طرح**

حکمرانی: بانک جهانی، حکمرانی را به عنوان سنت و نهادهایی تعریف می‌کند که توسط آنها

قدرت به منظور مصلحت عمومی در یک کشور اعمال می‌شود و مشتمل بر شاخص‌های زیر است:


۱. حق اظهار نظر و پاسخگویی: این شاخص بیانگر مفاهیمی چون حقوق سیاسی، آزادی بیان و تجمعات سیاسی و اجتماعی، آزادی مطبوعات، میزان نمایندگی حکام از طبقات اجتماعی، فرآیندهای سیاسی در برگزاری انتخابات است که به عنوان شاخص دموکراسی یاد می‌شود.
۲. کنترل فساد: تعریف سالنامه شفافیت بین‌الملل از فساد عبارت است از: سوءاستفاده از قدرت عمومی به نفع منافع خصوصی. برای مثال پرداخت رشوه به مقامات دولتی، باج‌گیری در تدارکات عمومی یا اختلاس اموال عمومی.
۳. ثبات سیاسی: بیانگر مفاهیمی مانند ناآرامی‌های اجتماعی، ترور و اعدام‌های سیاسی، کودتا، آشوب‌های شهری، تنش‌های قومی و انتقال آرام قدرت در سطوح بالا می‌باشد.
۴. حاکمیت قانون: اعتماد مردم به قوانین، قابلیت پیش‌بینی دستگاه قضایی، وجود جرم‌های سازمان‌یافته، احتمال موفقیت در شکایت علیه دولت از جمله مؤلفه‌های سنجش حاکمیت قانون هستند.
۵. کیفیت بوروکراسی: این شاخص بیانگر مفاهیمی چون مقررات دست و پاگیر، مداخله دولت در اقتصاد، سیاست‌های رقابتی، موانع تعرفه‌ای و غیرتعرفه‌ای، دسترسی به بازارهای سرمایه است.
۶. اثربخشی دولت: کارایی یا اثربخشی دولت با سیاست‌گذاری و اجرا توسط دولت برای حمایت سیستم بازار مورد توجه واقع شده، همچنین به توانایی دولت در قانون‌گذاری، داوری دادگاه‌ها، تصمیم‌های مدیریتی در ارتباط با حاکمیت قانون، عدالت مدیریتی و قضایی مانند پاسخگویی و شفافیت اشاره می‌کند. به علاوه کیفیت تهیه و تدارک خدمات عمومی و



استقلال خدمات همگانی از فشارهای سیاسی و صلاحیت و شایستگی کارگذاران را بیان می‌کند.

## **۱-۱۲) فصل بندی تحقیق**

تحقیق حاضر از پنج فصل تشکیل شده است، مقدمه ارائه شده، فصل اول تحقیق را شامل می‌شود. فصل دوم به بیان ادبیات موضوع می‌پردازد. فصل سوم، مطالعات پیشین و شواهد تجربی را ارائه می‌کند. فصل چهارم، روش برآورد و نتایج تجربی را شامل می‌شود. فصل پایانی نیز به جمع‌بندی و پیشنهادهای سیاستی می‌پردازد.



**فصل دوم:**  
**ادبیات موضوع**

## ۲-۱) مقدمه

به دلیل اهمیت توسعه مالی در رشد اقتصادی کشورها، مطالعه‌ی عوامل مؤثر بر توسعه مالی ضروری است. یکی از عوامل تأثیرگذار بر توسعه مالی کشورهای نفتی، فراوانی منابع است؛ به طوریکه ادعا می‌شود فراوانی منابع از طریق مکانیزم‌های مختلفی بر توسعه مالی اثرگذار است. بنابراین هدف این فصل شناسایی مکانیزم‌های اثرگذاری فراوانی منابع بر توسعه مالی می‌باشد.

در این فصل ابتدا تلاش می‌شود نقش و اهمیت توسعه مالی در رشد اقتصادی کشورها بیان گردد. در بخش بعدی به بررسی پدیده بلای منابع در توسعه مالی از دو دیدگاه بیماری هلندی و وجود نهادها و زیرساخت‌های ضعیف قانونی و رانت‌جویی، پرداخته می‌شود. به عبارتی دیگر در این قسمت مکانیزم‌های اثرگذاری فراوانی منابع بر توسعه مالی از این دو دیدگاه، مورد بررسی قرار خواهند گرفت. در انتها نیز جمع‌بندی از فصل در قالب یک نمودار بیان می‌گردد.

## ۲-۲) توسعه مالی و اهمیت آن در رشد اقتصادی کشورها

نظام مبتنی بر اقتصاد بازار در سطح کلان بر بازارهای چهارگانه استوار است. این بازارها عبارتند از: بازار کالا، بازار نیروی کار، بازار پول و بازار سرمایه. دو بازار از بازارهای چهارگانه یاد شده یعنی بازار پول و سرمایه در ارتباط با بخش مالی هستند. توسعه مالی، در حقیقت توسعه نظام یا بخش مالی شامل بازارها، نهادها و ابزارهای مالی می‌باشند. بخش مالی روی دوم سکه اقتصاد است و در واقع مکمل بخش حقیقی اقتصاد است. عملکرد بهینه نظام اقتصادی در جامعه، منوط به وجود دو بخش حقیقی و مالی کارا، مکمل و قدرتمند و تحت نظارت است. فعالیت این دو بخش در کنار همدیگر شرط لازم و کافی برای

یک نظام اقتصادی مطلوب محسوب می‌شود به طوری که نارسایی در یکی از این دو بخش، بر کارکرد بخش‌های دیگر اثر منفی خواهد گذاشت. بنابراین، تعادل با ثبات و بلندمدت هر نظام اقتصادی هنگامی بدست می‌آید که دو بخش مذکور با ارتباطات درونی خویش در شرایط تعادلی و کارا عمل کنند (مهرآرا و طلاکش نایینی، ۱۳۸۸).

ارتباط بین توسعه مالی و رشد اقتصادی در دهه‌های اخیر توجه بسیاری از اقتصاددانان را در حوزه ادبیات اقتصاد به خود معطوف کرده است. بسیاری از اقتصاددانان نظیر شومپیتر<sup>۱</sup> (۱۹۱۲)، هیکس<sup>۲</sup> (۱۹۶۹)، مک کینون<sup>۳</sup> (۱۹۷۳)، شاو<sup>۴</sup> (۱۹۷۳) و کینگ (۱۹۹۳) و بک، دیمیرگوک-کانت و لوین (۲۰۰۷) براهمیت بازارهای مالی و نقش کلیدی آن در توسعه و رشد اقتصادی تأکید دارند. شومپیتر بر اهمیت نقش خدمات مالی در تأمین ابداعات و در نتیجه رشد اقتصادی تأکید می‌کند. مک کینون و شاو با اندیشه نرخ-بهره کنترل شده و سرکوب مالی به شدت مخالف و طرفدار آزادسازی و توسعه مالی برای نیل به رشد اقتصادی هستند. مک کینون معتقد است که در اختیار گذاشتن اعتبارات ارزان‌قیمت برای یک عده از افراد و سلب آن از افراد دیگر سبب کاهش کارایی سرمایه‌گذاری از میزان مطلوب خود می‌شود و عدم دسترسی یکسان به اعتبارات سبب نابرابری درآمد می‌شود. براساس نظر هیکس بهبود بازار سرمایه که ریسک نقدینگی را کاهش می‌دهد، علت اولیه انقلاب صنعتی قرن ۱۸ در انگلستان بوده است. طبق نظر هیکس، محصولات تولید شده در دهه‌های اول انقلاب صنعتی خیلی قبل‌تر اختراع شده بودند. بنابراین نوآوری‌های تکنولوژیکی، رشد پایدار را منجر نشد بلکه اصلاحات مالی عامل اصلی انقلاب صنعتی انگلستان بوده

---

1- Schumpeter

2- Hicks

3- Mckinnon

4- Shaw